

الله اعلم
الله اعلم

١٤٤٥١٠ - ٢٠٢٤٣٤٧

دانشکده علوم حدیث

پایان نامه کارشناسی ارشد

رشته علوم حدیث

گرایش نهج البلاغه

عنوان پایان نامه

بررسی نسبت فرهنگ و اقتصاد در نهج البلاغه با رویکرد انتقادی به

نظریه «ماکس وبر»

استاد راهنما

دکتر سعید وصالی

استاد مشاور

آقای مصطفی دلشاد تهرانی

دانشجو

اعظم اکبری

کتابخانه دانشگاه علامه
تبریزی

۱۳۸۹/۹/ ۸

ماه و سال دفاع

مهر ۱۳۸۹

۱۴۶۵۱۰

کلیه حقوق این اثر متعلق به دانشکده علوم حدیث است.

بسمہ تعالیٰ

پایان نامہ خانم اعظم اکبری دانشجوئی دورہ کارشناسی ارشد رشته علوم حدیث کراچی نوج البلاغہ




تحت عنوان بررسی نسبت فرہنگ و اقتصاد نوج البلاغہ با رویکرد اسلامی بہ نظریہ ماکس وبر نگارش، تدوین و درجہ

دفاع تاریخ ۱۳۹۷/۰۷/۰۱ (۱۸-۲۰) ۱۵ بسیار خوب (۱۶-۱۸) ۱۰ (۱۲-۱۴) ۰

ضعیف (۱۲-۱۴) ۰ غیر قابل قبول (۱۲) ۰ بہ تأیید ہیأت داوران رسید.

دانشگاہ علوم حدیث

ھیأت داوران :

سمت	نام و نام خانوادگی	مرتبہ علمی	امضا
استاد راهنما	آقای دکتر سعید سعید وصالی	استادیار	
استاد مشاور	آقای مصطفی دلشاد تهرانی	استادیار داخلی	
استاد داور	آقای دکتر میردادی	استادیار	

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَوَّلِ بِمَا أَوْلَّ كَانَ قَبْلَهُ، وَالْآخِرِ بِمَا آخِرَ يَكُونُ بَعْدَهُ، الَّذِي قَصُرَتْ عَنْ رُؤْيَيْهِ أَبْصَارُ

النَّاطِقِينَ، وَعَجَزَتْ عَنْ نَعْتِهِ أَوْهَامُ الْوَاصِفِينَ»

و با سپاس از:

استاد بزرگوار جناب آقای دکتر وصالی که با راهنمایی‌های بی‌دریغ خویش مرا در این تحقیق یاری‌رسان بودند،
و استاد ارجمند جناب آقای دلشاد تهرانی که رهنمودها و مشورت‌های دلسوزانه ایشان، امید و انگیزه‌ای بود جهت
ادامه این مسیر سخت و دشوار.

همچنین بر خود فرض می‌دانم که از جناب آقای دکتر محمد منصور نژاد که بی شک بدون راهنمایی‌ها و
مساعده‌های ایشان این تحقیق به ثمر نمی‌رسید کمال سپاس را به جای آورم.

و نیز با تشکر از سایر بزرگوارانی که هر یک به نوعی یاریگر من در این تحقیق بوده‌اند.

چکیده

بررسی نسبت «فرهنگ» و «اقتصاد» گامی به منظور نیل به توسعه پایدار و همه جانبه است. این فرهنگ است که زمینه و بستر اقتصادی سالم و رو به رشد را مهیا می‌سازد و نیز اقتصاد است که با تأمین زندگی مادی انسان، راه را برای زندگی معنوی وی هموار می‌سازد. دین مبین اسلام با توجهات همه جانبه خود به عرصه زندگی دنیوی و اخروی انسان به نحوی بین فرهنگ و اقتصاد، رابطه برقرار می‌نماید که تمام نیازهای مادی، معنوی، روحی و جسمی وی به صورتی شایسته و درخور پاسخ گفته شود. حضرت علی (علیه السلام) نیز در راستای این بینش الهی، با ارج نهادن و اصالت دادن به فرهنگ، نظام اقتصادی را به گونه‌ای ترسیم می‌کند که همراه با «آبادانی بلاد»، هدف ارسال رسل و انزال کتب یعنی «اصلاح عباد» نیز میسر گردد. غور و تفحص در فرازهای نهج البلاغه، این دومین منبع اخذ تعالیم اسلامی و حکومت نامه امیرالمؤمنین (علیه السلام) آموزه‌هایی بدست می‌دهد که در زمینه تبیین این رابطه بسیار ثمر بخش واقع می‌گردد. توجه به مفاهیمی چون دنیا در خدمت آخرت، کرامت انسان، آزادی، تعقل، عزت، کار و تولید، عدالت اقتصادی، مصرف معقول و غنای کفافی، رابطه‌ای دو سویه بین فرهنگ و اقتصاد را نمودار ساخته و سرانجام انسان را به این نتیجه می‌رساند که توسعه مطلوب اسلامی توسعه‌ای مبتنی بر نگرش متناسب به هر دو مفهوم «فرهنگ» و «اقتصاد» است. اما مشکل جوامع اسلامی این است که با عدم درک این رابطه، بدون توجه به مبانی و اصول ارزشی اسلام سعی در الگو برداری از جوامع غربی و توسعه یافته دارند و یا با نگرشی یک جانبه به نظام فرهنگی و اقتصادی، دست مستشرقان و نظریه پردازان را در ایراد شبهه توسعه‌گریز بودن تعالیم اسلامی باز گذاشته‌اند. که از جمله آنها می‌توان به ماکس وبر اشاره کرد. وی معتقد است؛ فرهنگ اسلامی ظرفیت توسعه ندارد. این در حالی است که نه تنها تعالیم اسلامی با توسعه سازگار است بلکه بهبود شرایط حیات، نتیجه حتمی اجرای تعالیم اسلامی است.

کلید واژه‌ها: اسلام، فرهنگ، اقتصاد، نهج البلاغه، ماکس وبر، توسعه.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۱۶	فصل اول: کلیات (مبانی نظری)
۱۷	۱-۱- فرهنگ
۲۴	۲-۱- اقتصاد
۳۳	۳-۱- رابطه فرهنگ و اقتصاد
۴۴	فصل دوم: جایگاه فرهنگ در نهج البلاغه (با رویکرد اقتصادی)
۴۵	مدخل
۵۱	۱-۲- اصل خدا محوری
۶۱	۲-۲- اصل دنیا در خدمت آخرت
۸۷	۳-۲- اصل مالکیت اعتباری
۹۴	۴-۲- اصل کرامت انسان
۱۰۹	۵-۲- اصل مصلحت
۱۱۴	۶-۲- اصل سنت‌های الهی حاکم بر جهان
۱۱۸	۷-۲- اصل تعقل و تفکر
۱۲۵	۸-۲- اصل آزادی

۱۳۷ اصل زهد و قناعت
۱۴۴ اصل عزت
۱۴۹ اصل مواسات و برادری
۱۵۱ اصل نفی ضرر
۱۵۳ اصل نفی عسر و حرج
۱۵۴ اصل اعتدال
۱۵۶ اصل راستی و صداقت
۱۷۰ نتیجه‌گیری
۱۷۲ فصل سوم: جایگاه اقتصاد در نهج البلاغه
۱۷۳ ۱-۳ نظام اقتصاد علوی
۱۷۴ اهداف نظام اقتصاد علوی
۱۷۶ رابطه «اخلاق» و «اقتصاد»
۱۸۰ ۲-۳ ارکان نظام اقتصاد علوی
۱۸۰ کار، تولید و سرمایه‌گذاری
۱۸۵ جهت دار بودن کار و تولید
۱۸۸ هدف کار و تولید
۱۹۱ ثمرات و پیامدها
۱۹۳ توزیع

۱۹۴	هدف توزیع
۱۹۵	عدالت اقتصادی
۲۰۰	تأمین اجتماعی
۲۰۱	موانع توزیع عادلانه
۲۰۶	انحصار طلبی یا استیثار
۲۱۰	آثار توزیع ناعادلانه ثروت
۲۱۵	فقر
۲۲۶	غنا
۲۳۳	مصرف
۲۳۴	انگیزه مصرف
۲۳۵	محدودیت‌های مصرف
۲۳۷	اسراف و تبذیر
۲۳۶	سخت گیری
۲۴۰	سطح مطلوب مصرف؛ تقدیر معیشت
۲۴۱	انفاق
۲۵۲	نتیجه گیری
۲۵۵	فصل چهارم: دیدگاه «ماکس وبر» درباره نسبت فرهنگ و اقتصاد
۲۵۶	مدخل

۲۵۹.....	۱-۴- تأثیر فرهنگ دینی بر اقتصاد
۲۶۰.....	تز اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری
۲۶۲.....	روح سرمایه‌داری
۲۶۴.....	عقلانیت
۲۷۲.....	آموزه‌های اخلاقی فرقه پروتستان
۲۷۹.....	۲-۴- ماکس وبر در اسلام
۲۸۱.....	شرق‌شناسی
۲۸۲.....	تفسیر وبر از اسلام
۲۸۷.....	فصل پنجم: نقد دیدگاه «ماکس وبر»
۲۸۸.....	مدخل
۲۹۱.....	۱-۵- اسلام و توسعه اقتصادی
۲۹۵.....	نقد شبهات
۳۰۸.....	۲-۵- جامعه‌شناسی سلطه
۳۱۰.....	حکومت در نهج البلاغه
۳۱۶.....	۳-۵- بحث تکمیلی
۳۱۶.....	ماکسیم رودنسون و نقد وبر
۳۱۹.....	برایان ترنر و نقد وبر
۳۲۲.....	جامعه‌شناسی توسعه

٢٢٥.....	خاتمه
٢٢٧.....	پيشنهادهاد
١٦١.....	نمودار شماره ١
١٦٢.....	نمودار شماره ٢
١٦٣.....	نمودار شماره ٣
١٦٤.....	نمودار شماره ٤
١٦٥.....	نمودار شماره ٥
١٦٦.....	نمودار شماره ٦
١٦٧.....	نمودار شماره ٧
٢٤٦.....	نمودار شماره ٨
٢٤٧.....	نمودار شماره ٩
٢٥٠.....	نمودار شماره ١٠
١٦٨.....	جدول شماره ١
٢٢٩.....	فهرست منابع وماخذ
٢٢٨.....	صفحه عنوان عربى
٢٢٩.....	چكیده عربى

چكیده انگلیسى

صفحه عنوان انگلیسى

مقدمه

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَّمَنَا بَحْوَالَهُ وَدَنَا بِطَوْلِهِ مَانِحٌ كُلِّ غَنِيمَةٍ وَفَضْلٌ وَكَاشِفٌ كُلِّ عَظِيمَةٍ وَأَزَلُّ أَحْمَدُهُ عَلَيَّ عَوَاطِفِ كَرَمِهِ وَسَوَائِحِ نَحْمِهِ وَ أَوْمِنُ بِهِ أَوْلَا بَدَايَاً وَ أَسْتَهْدِيهِ قَرِيْباً هَادِيَاً وَ أَسْتَعِيْنُهُ قَاهِرَاً قَادِرَاً وَ أَتَوَكَّلُ عَلَيْهِ كَافِيَاً نَاصِرَاً»

نهج البلاغه، خطبة ۸۳

توسعه مفهومی است که از دیرباز مورد توجه همگان بوده و همواره پیمودن راه توسعه از اهداف کلان هر جامعه‌ای محسوب می‌شود. در دنیای معاصر فرآیند توسعه پایدار از مهم‌ترین دل‌مشغولی‌ها و در حقیقت ام‌المسائل تمام مدیران جامعه است و همگان سعی بر این دارند که به خیل توسعه‌یافتگان بپیوندند و لقب نکوهیده توسعه‌نیافتگی را که ذمی است بر جامعه، بزدایند.

توسعه در لغت به معنای فراخی، گشادگی، گسترش و پیشرفت است که در اصطلاح می‌توان این معانی را بسط داده و به تمام ابعاد زندگی تعمیم داد. یعنی گسترش و پیشرفت در تمام وجوه زندگی، گسترش و پیشرفت در وجوه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و زیست محیطی. چنین توسعه‌ای است که توسعه پایدار نامیده می‌شود.

اقتصاد به عنوان یکی از ارکان اصلی هر جامعه، نقش مؤثری در توسعه برعهده دارد و از ابتدا نیز در مفهوم توسعه گنجانده شده بود. ملموس‌ترین وجه توسعه نیز همین توسعه اقتصادی است و از ابتدا نیز این مفهوم به عنوان توسعه اقتصادی قلمداد شده است زیرا اغلب، توسعه مرادف با رشد اقتصادی در نظر گرفته می‌شد یعنی فرآیندی که در آن درآمد ملی افزایش یابد، رفاه مادی حاصل گردد و معاش آدمی تأمین شود. چنین توسعه‌ای هدف اغلب

کشورها قرار گرفت بدون اینکه تأثیرات آن بر ارزش‌های والای انسانی در نظر گرفته شود. به عبارت دیگر؛ جوامع یا باید توسعه می‌یافتند و یا برای حفظ ارزش‌ها و فرهنگ خود از کاروان توسعه عقب می‌ماندند. این روند ادامه داشت تا دهه ۷۰ میلادی که نقش فرهنگ در توسعه در محافل بین‌المللی مطرح شد^۱ و این واقعیت پذیرفته شد که فرهنگ نیز مانند اقتصاد از زندگی روزمره مردم جداشدنی نیست. بنابراین، در کنفرانس‌ها و مجامع علمی مختلف با مطرح شدن توسعه متوازن، مفهوم فرهنگ نیز عملاً وارد بحث توسعه شد.

فرهنگ مجموعه‌ای از باورها، اعتقادات، افکار، منش‌ها و گرایش‌های مردمان یک جامعه است که چونان نخ سیخ، نظام اجتماعی را منسجم نگاه می‌دارد و مانند روح بر پیکر جامعه، سکان هدایت آنرا به دست گرفته و با بنزین اقتصاد، جامعه را حرکت می‌دهد. این نگرش به فرهنگ به تدریج در موتور توسعه وارد شد و هدایت آنرا بر عهده گرفت. بدین ترتیب، توسعه از مفهومی صرفاً اقتصادی خارج شد.

در حقیقت با توجه به اینکه بستر توسعه، اجتماع است و نظام اجتماعی نیز مجموعه‌ای مشتمل بر نظام‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است و از آنجا که اجزاء و عناصر هر نظامی به سمت هدفی مشترک در حرکت هستند برای توسعه پایدار باید تمام این اجزاء در راه توسعه قرار گیرند. نمی‌توان بدون فرهنگی توسعه یافته به اقتصادی توسعه یافته رسید همچنان که عکس این قضیه نیز ممکن نیست. این دو باید در تعامل با یکدیگر حرکت کنند. از این پس (دهه ۷۰ میلادی به بعد) پژوهشگران و محققان سعی نمودند با مطالعاتی که در فرهنگ‌ها و جوامع مختلف به ویژه جوامع توسعه‌یافته انجام می‌دهند متغیرهای فرهنگی پیش‌نیاز توسعه را بررسی نمایند. این متغیرهای فرهنگی پیش‌نیاز توسعه با عنوان توسعه فرهنگی یا فرهنگ توسعه در کنار توسعه اقتصادی قرار می‌گیرد و در نهایت توسعه‌ای همه‌جانبه و متوازن در پی خواهد داشت.

فرهنگ توسعه یا توسعه فرهنگی عبارت است از؛ «وجود باورها، اعتقادات، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی مناسب برای زمینه‌سازی توسعه اقتصادی»^۲ به عبارت دیگر، یعنی تربیت سرمایه انسانی. زیرا توسعه علاوه بر نیاز به

۱. نظر پور، محمد نقی، ارزشها و توسعه، اول، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۱۱.

۲. بنیانیان، حسن، فرهنگ توسعه در ایران، اول، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۶، ص ۹۶.

سرمایه‌های مادی به سرمایه‌ انسانی که در حقیقت عامل و محرک توسعه است نیز وابسته است و این سرمایه‌ انسانی در پرتو توسعه فرهنگی مهیا می‌گردد.

در یک جمع‌بندی از نظرات پژوهشگران مختلف می‌توان پیش‌نیازها و متغیرهای فرهنگی توسعه را چنین

برشمرد:

- نگرشی معقول به دنیا

- علم‌گرایی

- توجه به نقش عقل در زندگی

- تجربه‌گرایی

- قانون‌گرایی

- پراگماتیسم و اصالت کار

- تولیدگرایی

- اعتقاد به آزادی

- اعتقاد به توسعه

- اعتقاد به برابری انسان‌ها

- نظم‌پذیری جمعی

- صلح‌طلبی

لذا توسعه‌ فرآیندی است حاصل از تعامل نظام‌های مختلف از جمله نظام اقتصادی و نظام فرهنگی. تعامل مثبت

این نظام‌ها است که جامعه را به توسعه یافتگی می‌رساند.

فرهنگ آمیزه‌ای است از عناصر مختلف که دین برجسته‌ترین مؤلفه، بلکه فصل مقوم و گاه پدید آورنده فرهنگ

است. ادیان تأثیر بسیار عمیقی بر تحکیم هنجارها و ارزش‌های موجود در جامعه دارند. در حقیقت دین و اعتقادات

مذهبی است که اندیشه و باور انسان را مشخص می‌کند. دین، تصورات انسان از جهان واقع را شکل می‌دهد که این

تصورات جهت دهنده اعمال و کردار انسان است. به عبارت دیگر به محض اینکه یک دستورالعمل و رفتاری، فرمان

الهی گردد تقدس می‌یابد و دستورالعمل مقدس نیز از اعتبار بسیار والایی برخوردار است و دین باوران بر آن گردن می‌نهند. دستورالعمل‌های اقتصادی ادیان نیز بر اساس الهی بودن، تقدس می‌یابند. بدین ترتیب اقتصاد تحت تأثیر فرهنگ قرار می‌گیرد.

از آنجا که ادیان آسمانی برای سعادت و هدایت انسان نازل شده‌اند لذا فرامین اقتصادی آنها نیز با توسعه که سعادت دنیا و آخرت انسان را در بر دارد، منافاتی ندارند و در واقع ماهیت آنان این است که انسان را به توسعه برسانند، آن هم توسعه‌ای همه جانبه با در نظر گرفتن تمام ابعاد وجودی انسان.

اما اینکه در عالم واقع، برخی از ادیان به عنوان مانع توسعه نمود می‌یابند، می‌تواند به نوع فهم پیروان آنها از دین مربوط باشد. به عنوان مثال فهم صوفیانه از دین مسلم است که دین را به مانعی برای توسعه تبدیل می‌کند. اعتقاد به جدایی دنیا و آخرت و دین و زندگی، دین را سد توسعه نشان می‌دهد که البته این اعتقاد به نوع برداشت انسان از دین بر می‌گردد نه اصل و ماهیت دین. باید بین اصل دین و برداشت‌های مردمان از دین تفاوت قائل شد. باید ادیان آسمانی را ملاک قرار داد نه شکل تحریف شده آنها را. باید ادیان ساخته بشر و نیز ادیان تحریف شده را از دایره ادیان الهی و تحریف نشده خارج نمود. اسلام تنها دینی است که هم ﴿إِنَّ هُوَ إِلَّا وَحْيُ يُوحَى﴾^۳ است و هم بر اساس ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾^۴ اصول اساسی آن محفوظ مانده است.

با مراجعه به تاریخ می‌توان نقش مثبت ادیان را در توسعه مشاهده کرد. ادیان، سازنده تمدن‌های بزرگ بوده‌اند که با ظهور اسلام این نقش پر رنگ‌تر شده است. البته چنین انتظاری از دین اسلام به عنوان کامل‌ترین دین، دور از واقع نیست و عدم تحریف تعالیم اسلامی، خصیصه توسعه‌پذیر بودن آنها حفظ کرده و به زمان حال نیز انتقال داده است. مطالعه تاریخ پیش و پس از اسلام، نقش فرهنگ اسلامی را در تحول عظیم و تمدن ساز در جهان نمایان می‌سازد. حضرت علی (علیه السلام) به عنوان اولین و تنها فرد از خاندان امامت و ولایت که زمینه‌ای مناسب برای تشکیل حکومت بدست آورد و به خلافت رسید، بعد از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) این حرکت تمدن ساز را تداوم بخشید و با وجودی که جامعه با سیری قهقریایی به زمان جاهلیت بازگشته بود اما در مدت کمتر از پنج

۳. نجم/۴. این سخن بجز وحیی که وحی می‌شود نیست.

۴. حجر/۹. بی‌تردید، ما این قرآن را به تدریج نازل کرده‌ایم، و قطعاً نگهبان آن خواهیم بود.

سال و با وجود جنگ‌های پی در پی، عدم همراهی یاران و اصحاب و حتی مخالفت‌ها، دست اندازی‌ها و کارشکنی‌ها، مسیر توسعه را پیمود و نقش مثبت تعالیم اسلامی را در توسعه به نمایش گذارد. کتاب شریف نهج البلاغه به عنوان منشور حکومت ایشان و گواه راستین حکومت اسلامی، شاهدی است جهت نشان دادن تأثیر فرهنگ اسلامی بر توسعه و تعامل «فرهنگ» و «اقتصاد» و در نهایت نیل به توسعه‌ای همه جانبه در راستای این تعامل. به ویژه نامه امام به مالک اشتر که این تعامل را به وضوح نشان می‌دهد. حضرت امیر (علیه السلام) در ابتدای نامه، اهداف حکومت و سپس راهکارهای تحقق آنها را بیان می‌فرماید. این اهداف عبارتند از: «جباية خراج»، «جهاد عدو»، «استصلاح اهل» و «عمارة بلاد». از این اهداف دانسته می‌شود که عمارت بلاد بدون استصلاح اهل میسر نیست و استصلاح اهل نیز بدون ایجاد امنیت و تأمین مالی ممکن نیست. یعنی نقش اقتصاد در جامعه بسیار پررنگ و ارزشمند است اما این ارزش تا زمانی است که اقتصاد در جهت استصلاح اهل باشد. در انتهای نامه نیز، امام رسیدن به این اهداف را سعادت و رستگاری عنوان می‌کند.

بنابراین، می‌توان با تکیه بر کتاب گرانسنگ نهج البلاغه، اصول، مشخصه‌ها و اهداف جامعه مطلوب اسلامی را استخراج نمود و به نقد وضع موجود پرداخت. تحقیق حاضر نیز با این هدف انجام شده است.

پژوهش پیش روی، علیرغم اینکه حاصل تلاش‌ها و مطالعات نگارنده و راهنمایی‌ها و مساعدت‌های اساتید محترم است اما هیچگاه ادعایی بر کامل و بی‌نقص بودن آن نیست. با توجه به چند وجهی بودن مسئله مورد پژوهش و فرصت اندک برای جمع آوری و تدوین مطالب، مسلماً نقایص و اشکالات زیادی در آن وجود دارد. اما امید است قدمی در جهت انجام تحقیقات بهتر، دقیق‌تر و تخصصی‌تر باشد.

طرح مسأله

جامعه‌شناسان بسیاری دربارهٔ رابطهٔ اقتصاد و فرهنگ به تحقیق و پژوهش پرداخته‌اند از جمله «ماکس وبر»^۵ جامعه‌شناس معروف آلمانی و بنیانگذار مکتب تفهیمی، وی با بررسی شرایط زندگی پیروان کالوین به این نتیجه می‌رسد که فرهنگ به طور غیرمستقیم و روانشناسانه می‌تواند موجب پدیداری سرمایه‌داری شود. وی ظهور سرمایه‌داری در غرب را به اخلاق پروتستانی نسبت می‌دهد. اخلاقی که با مقدس شمردن کار و تلاش مستمر و نیز پرهیز از اسراف و مصرف‌گرایی برای دستیابی به رستگاری اخروی، در ظهور سرمایه‌داری جدید مؤثر بوده است. البته وبر با استثنا کردن فرقهٔ پروتستان - به علت تحولی که در آموزه‌های آن ایجاد شد - کلیهٔ ادیان از جمله اسلام را فاقد این خصوصیات می‌داند و معتقد است اسلام ظرفیت توسعه ندارد!

نگارنده در این رساله بر آن است که رابطهٔ فرهنگ و اقتصاد را در نهج البلاغه بررسی نماید تا در پرتو بررسی این رابطه، توسعه پذیر یا توسعه گریز بودن اسلام نیز آزمون گردد. اینکه آیا اسلام ما را به توسعه می‌رساند؟ آیا از اسلام می‌توان رهنمودهایی پیدا کرد که راه توسعه را به ما نشان دهد؟

اهمیت، ضرورت و اهداف تحقیق

در کشور مدعی حکومت علوی ابتدا باید دیدگاه حضرت علی (علیه السلام) دربارهٔ نسبت فرهنگ و اقتصاد تبیین گردد تا بر مبنای آن سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی اتخاذ شود. عدم تبیین این رابطه مشکلی است که سالیان سال گریبان‌گیر جوامع اسلامی بوده است. در کشور ایران طی سی سال حکومت اسلامی، چندین برنامهٔ توسعه اجرا شده است که در نهایت ثمری جز اتلاف وقت، انرژی و ثروت ملی نداشته است. با اینکه هم خواهان توسعه هستیم و هم از نظر منابع و امکانات اقتصادی غنی هستیم اما همچنان ایران در زمرهٔ کشورهای توسعه‌نیافته قلمداد می‌شود. این مشکل از آنجا ناشی می‌شود که تعالیم اسلامی به درستی درک نشده است. هر مسئول و دولتی با دیدی تک بعدی سعی در پیمودن راه توسعه دارد!

۵. Max Weber.

نمی‌توان به صرف ساختن کارخانه و کارگاه‌های تولیدی و نگاهی اقتصاد محور انتظار توسعه داشت. تحلیل‌های اقتصادی نشان می‌دهند که پیامد طرح‌های صرفاً اقتصادی حتی در بهترین موارد نیز شکست نسبی است. همچنان‌که در ایران تجربه این کار وجود دارد که البته چنین توسعه‌ای با شکست مواجه شد. البته توسعه فقط با تکیه بر نظام فرهنگی نیز به شکست می‌انجامد و ایران تجربه چنین شکستی را نیز دارد.

شایسته است با تحقیقاتی عمیق‌تر و گسترده‌تر در زمینه توسعه، نگاهی چند بعدی و همه جانبه به توسعه را در میان مسئولان اجرایی نهادینه نمود تا راه توسعه هموار گردد و جوامع اسلامی به جایگاه حقه خود برسند.

این مسئله نگارنده را بر آن داشت تا با استعانت از خدای متعال و راهنمایی‌های اساتید محترم، به پژوهشی درباره رابطه فرهنگ و اقتصاد اقدام نماید و به دیدگاه حضرت علی (علیه السلام) در اینباره دست یابد. تا زمینه عملی شدن پیام نهج البلاغه مهیا شود و در پرتو آن، دانشمندان و اهل نظر با «مفهوم سازی» (Conceptualization)، «نظریه پردازی» (Theorizing) و «روزآمد کردن» (Up-to-date) آنها بتوانند آن مفاهیم و نظریات را مورد استفاده قرار دهند. همچنین مجریان و علی‌الخصوص گردانندگان یک حاکمیت مبتنی بر دین که مدعی استقرار مضامین دین هستند بتوانند با توجه به دستاوردهای چنین پژوهش‌هایی به برداشت‌های مطلوب در جهت اداره جامعه مبادرت ورزند.

سوالاتی که نگارنده در پی یافتن پاسخ آنهاست عبارتند از:

۱. نسبت فرهنگ و اقتصاد از منظر نهج البلاغه چگونه است؟
۲. دیدگاه «ماکس وبر» درباره نسبت فرهنگ دینی و اقتصاد چیست؟
۳. بر مبنای برداشت از نهج البلاغه دیدگاه «ماکس وبر» را چگونه می‌توان ارزیابی نمود؟

فرضیاتی که بر پایه آنها این پژوهش آغاز شده، چنین است:

– فرهنگ و اقتصاد رابطه‌ای تنگاتنگ دارند و در حال تعامل با یکدیگر هستند. اما در این رابطه اصالت با فرهنگ است. به عبارت دیگر؛ فرهنگ و اقتصاد یک رابطه اصلی و ذاتی دارند و یک رابطه فرعی و عرضی. در رابطه ذاتی، فرهنگ بر اقتصاد اثر می‌گذارد اما به تبع و عرضی، اقتصاد هم بر فرهنگ اثر دارد.

- «ماکس وبر» با بررسی آیین پروتستان، فرهنگ را به طور غیر مستقیم، نقطه آغاز و زمینه ساز سرمایه داری می داند و اسلام را فاقد چنین رویکردی توصیف می نماید.

- از منظر نهج البلاغه، علاوه بر اینکه فرهنگ بر اقتصاد مؤثر است، اقتصاد نیز به تبع بر فرهنگ تأثیرگذار است لذا فرهنگ اسلامی و علوی بر مبنای این نگرش، توسعه را پی ریزی می نماید.

پیشینه تحقیق

تا کنون جامعه شناسان زیادی به مسئله رابطه شناسی فرهنگ و اقتصاد پرداخته اند. مهم ترین کتابی که در این زمینه نوشته شده و مبنای تحقیقات بعدی قرار گرفته است، کتاب «اخلاق پروتستانی و روح سرمایه داری» است. «ماکس وبر» (۱۹۲۰-۱۸۶۴ م) در این کتاب به بیان تأثیر اخلاق پروتستانی بر ظهور سرمایه داری پرداخته است. کتاب دیگری که می توان به آن اشاره کرد کتاب «اخلاق و اقتصاد» است. نویسنده این کتاب، «آمارتیا سن» (م ۱۹۳۳) تأثیر اخلاق را بر اقتصاد بررسی می کند و به جدایی ناپذیری اخلاق و اقتصاد اشاره دارد. دیگر می توان به کتاب «دین و فرهنگ توسعه» نوشته «میثم موسایی» اشاره کرد. وی در این نوشتار، ضمن بیان رابطه فرهنگ و اقتصاد، بر توسعه پذیر بودن اسلام نیز تأکید دارد. برادران حکیمی نیز در مجموعه حیات خود «الحیاء»، جهت ارائه راه زندگی، تأثیر فرهنگ و اقتصاد بر یکدیگر را تبیین می نمایند. اقتصاددان شهیر جهان اسلام، سید محمد باقر صدر نیز در اثر دو جلدی خود با نام «اقتصادنا» که به فارسی نیز ترجمه شده است، با رویکرد مقایسه ای بین اقتصاد اسلامی و اقتصاد سرمایه داری و سوسیالیسم، به واکاوی اقتصاد اسلامی می پردازد. اثر دیگری که می توان از آن نام برد، مجموعه مقالات همایش اسلام و توسعه است. مقالات این مجموعه به خصوص مقاله «سهم و نقش فکر و فرهنگ دینی در توسعه» نوشته «علی اکبر رشاد» با تبیین تأثیر فرهنگ اسلامی بر اقتصاد، اسلام را توسعه پذیر معرفی می کند. پروفسور «حیدر نقوی» نیز در کتاب «جمع اخلاق و اقتصاد در اسلام» با بررسی سیستم اخلاقی اسلام و نیز سیستم اقتصادی اسلام، تأثیر دو سویه فرهنگ و اقتصاد را تا حدی تفسیر نموده است. مجموعه دو جلدی «دین و توسعه» اثر دکتر محمد منصورنژاد نیز از جمله آثاری است که به بررسی رابطه اسلام و توسعه می پردازد. کتاب «نظام اقتصاد علوی» به قلم «احمد علی یوسفی» نیز نقش قابل توجهی در شناساندن نظام اقتصاد علوی دارد. کتاب

«راهنمای پژوهش در قرآن و علوم روز» جلد قرآن و اقتصاد نیز مجموعه‌ای است که با جمع آوری مطالب خود از کتاب‌های مختلف در این زمینه، می‌توان عنوان دائرة المعارف اقتصاد اسلامی را به آن لقب داد. کتاب «معنویت و اقتصاد» نوشته «علی اصغر هادوی نیا» نیز با مقایسه تطبیقی بین نظام اقتصادی اسلام و سرمایه داری، به معرفی زوایای مختلف نظام اقتصادی اسلام پرداخته است. اما تا کنون کتاب یا مقاله‌ای نگاشته نشده که با تکیه بر متن نهج البلاغه و تعالیم علوی به بررسی رابطه فرهنگ و اقتصاد بپردازد.

روش تحقیق

برای انجام هر پژوهشی باید متناسب با موضوع پژوهش و حیطة علمی آن، بهترین و مناسب‌ترین روش را انتخاب نمود. چرا که امروزه در کارهای پژوهشی، تنها رسیدن به نتیجه درست کافی نیست بلکه راه و روش وصول به آن نتیجه نیز باید از هر خطایی مصون باشد. به عبارت دیگر روش شناسی از زیر ساخت‌های لازم برای انجام هر پژوهش علمی است. زیرا قوام هر کار پژوهشی بسته به انتخاب درست روش تحقیق و اجرای درست آن است. روش، شیوة پیش رفتن به سوی یک هدف است. پژوهش بدون روش یعنی حرکت در بیراهه، یعنی انحراف از مسیر اصلی. در علوم مختلف از روش‌های ویژه‌ای برای انجام پژوهش استفاده می‌شود. روش تحلیل محتوا یکی از روش‌های تحقیق در علوم انسانی و اجتماعی است. در پژوهش حاضر با توجه به موضوع آن که در حوزه علوم اجتماعی جای می‌گیرد از این روش استفاده شده است.

روش تحلیل محتوا

رشد و توسعه علوم مدیون ابداع و توسعه روش‌های متنوع و دقیق علمی در انجام پژوهش در رشته‌های مختلف است. اما با رشد علم، محققان علوم و فناوری، به محدودیت‌های روش‌ها در علوم اجتماعی - انسانی پی برده و با تأمل بیشتر، روش‌های نوینی را ابداع کردند. در این فرآیند، روش تحلیل محتوا پا به عرصه محیط‌های علمی گذاشت.